

عَلَامَةُ الْإِسْلَامِ



شورای عالی حوزه علمیه قم
مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه علمیه فاطمه الزهراء (س)
شهرستان خمینی شهر

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

منت‌های خداوند در قرآن

استاد راهنما

سرکار خانم صدیقه رفیعی

استاد داور

سرکار خانم سعیده سیادت موسوی

پژوهشگر

لیلا بابایی

تابستان ۹۳

تمحیدیه

الہی ای خالق بی مدد و ای واحد بی عدد، ای معطی بی فطرت و ای بخشندہ بی منت، الہی

ادای شکر تو را بیچ زبانی نیست و دریای فضل تو را بیچ کرا نی نیست، و سر حقیقت تو بر بیچ

کس عیان نیست، ہدایت کن بر ما رہی کہ بہتر از آن نیست.

تقدیم

تقدیم به :

خدایی که آفرید

جهان را، انسان را، علم را، معرفت را، عشق را،

و آخرین ذخیره عالم هستی، یوسف دل های منتظر، حضرت بقیه اله الاعظم روحی و ارواح المالمین له الفداء.

و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید.

تقدیر و تشکر

سپاس بی کران پروردگار یکتا را که، هستیمان بخشد و به طریق علم و دانش، رهنمونان شد و به همنشینی رهروان علم

و دانش مستخرمان نمود و خوشه چین از علم و معرفت را روزیایمان ساخت.

از استاد با کمالات و شایسته؛ سرکار خانم رفیعی که در کمال سه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از پیچ گلگی در این

عرصه بر من دریغ نمودند و زحمات را بهمانی این رساله را بر عهده گرفتند؛ از همسر مهربان و صبور و باتقوا، که

بدون مساعدت ایشان، این پروژه به نتیجه مطلوب نمی رسید؛ و از استاد فرزانه و دلسوز؛ سرکار خانم سعیده

بیادت موسوی که زحمات داور این رساله را متقبل شدند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم.

۵-۱ ایمنی از عذاب الهی

۵-۱-۱ ایمنی از عذاب جهنم

«امنیت از عذاب جهنم» جزئی از نعمت های بهشتیان شمرده شده و آن را منّتی بر آن ها دانسته است. آن هنگام که آنان گذشته خود را به خاطر می آورند و جزئیات آن را متذکر می شوند و با وضعی که در آن قرار دارند مقایسه می کنند. پی به ارزش این نعمت بزرگ می برند و این طبعاً برای آن ها دل چسب تر و لذت بخش تر خواهد بود چرا که در این مقایسه ارزش ها بهتر مشخص می شود. سپس به شکر و سپاسگزاری خداوند مشغول می شوند و از اظهار منّت و نعمت پروردگار لحظه ایی غفلت نمی کنند و همه ی اعمال صالحه خود را که در دنیا به جا آورده از رحمت و فضل پروردگارشان معرفی می نمایند. و این حمد و ثنا از آن نظر است که ساحت خداوند را مستحق آن می دانند و بدون نظر به اجر و ثواب شکرگزاری می کنند.^{۱۱}

۵-۲-۱ ایمنی و امنیت در نگاه قرآن

از نظر قرآن امنیت مفهومی وسیع و فراگیر است و افزون بر موارد ایمنی از عذاب الهی در دنیا و آخرت در سطوح دیگر قابل بررسی است. ایمنی و امنیت در قرآن به عنوان یک نیاز اساسی و نعمت بسیار ارزشمند خداوند معرفی شده است. افزون بر این کاربرد بسیار ماده «امن» و مشتقات آن و معانی گوناگونی که این ماده در آیات قرآن به خود گرفته است به گونه ایی نشان از اهمیت و ارزش امنیت و نیاز انسان به آن دارد. برای نمونه ایمن به عنوان یک اصطلاح کلیدی و از مشتقات «امن» کارگردهای اجتماعی، سیاسی، روانی و ... دارد اما مهمترین کارکرد ایمان همان امنیت بخشی به ایمان آوران است. بر اساس این کارکرد مؤمنان از امنیت برخوردارند و در آرامش به سر می برند.

۳-۵-۱ ایمنی و امنیت از منظر نهج البلاغه

امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) امنیت را نعمتی می دانند از طرف خداوند که باعث آرامش و رفاه می شود و از سوی دیگر ایشان امنیت را در زمره نخستین، اساسی ترین، و عمومی ترین نیازهای بشر می دانند.

امام علی (علیه السلام) امنیت یافتن را پس از اعتقاد به خداوند و پایداری و استقامت در عمل به قرآن مطرح می کنند و می فرمایند: «کسی در امنیت است که در پناه خدا باشد و ترس و بیم از آن کسی است که خدا را دشمن بدارد.»^{۱۲}

۲- نعمت های خداوند بر انبیاء

۱-۲ نعمت مقام نبوت

هدف از آفرینش انسان این است که با انجام دادن افعال اختیاری مسیر تکامل خود را به سوی کمال نهایی ببیماید اما از آنجا که این کمال و سعادت جز از راه انجام دادن افعال اختیاری حاصل نمی شود، مسیر زندگی بشر دو سویه و دو راه قرار داده شده تا زمینه انتخاب و گزینش برای بشر فراهم شود. همه ی پیامبران برای دو هدف اصلی و اساسی به رسالت رسیدند: یکی برقراری ارتباط صحیح میان بنده و خالق خودش و به تعبیر دیگر منع بشر از پرستش هر موجودی غیر از خالق خودش که در کلمه طیبه «لا اله الا الله» خلاصه می شود. هدف دومی که برای بعثت پیامبران آمده است برقراری روابط حسنه و صالحه میان افراد بشر، بر اساس عدالت، صلح، صفا، تعاون و احسان و عاطفه و خدمت به یکدیگر است. در قرآن کریم ضمن اینکه به همه ی این معانی اشاره یا تصریح شده است دو معنی و مفهوم مشخصی ذکر شده که می رساند هدف اصلی این دو امر است.

۲-۲ بررسی مَنّت خداوند بر حضرت موسی و هارون (علیه السلام)

۱-۲-۲ طبق آیه ۱۱۴ سوره صافات

به هر حال خداوند در این آیه به طور سر بسته خبر از نعمت های پر وزنی می دهد که به این دو برادر ارزانی داشت و در آیات بعد چند مورد از این نعمت ها را شرح می دهد. که هر کدام ارزش و اهمیت بالایی دارند. خداوند در آیات ۱۱۴ و ۱۱۵ سوره صافات مثالی از واقعیت نیکوکاران این نسل و ذریه برکت یافته آنان برای ما می زند و می گوید: «ما به موسی و هارون نعمت دادیم با پیامبری و نبوت و آن دو برادر و مردمشان را از رنجی بزرگ نجات بخشیدیم»^{۱۳}

۲-۲-۲ طبق آیه ۳۷ سوره طه

«وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى»^{۱۴} خداوند به حضرت موسی خبر داد که خواسته های او را برآورده است، و به دنبال آن به ذکر نعمت های خویش نسبت به حضرت موسی (علیه السلام) پرداخت و فرمود: «برای اولین بار نیست که تو را مشمول نعمت خود قرار داده ایم تو همواره مورد نظر و عنایت ما بوده ای، یک بار دیگر نیز در دوران کودکی بر تو مَنّت نهادیم.»^{۱۵} چون کلمه «مَنَّا» ماضی است پس معلوم می شود: منظور از نعمت هایی که خداوند به حضرت موسی عطا کرده قبل از برگزیده شدنش به نبوت و رسالت و اجابت خواسته هایش بوده است.

۲-۳ بررسی مَنّت های خداوند بر حضرت یوسف

۱-۲-۳ بررسی مَنّت های خداوند بر حضرت یوسف طبق آیه ۹۰ یوسف

حضرت یوسف مَنّت خداوند را بر خود و برادرش بنیامین این گونه بیان می کنند: بر من از این جهت مَنّت نهاد که از ته چاه ذلت و مکر و حيله زليخا و زندان عزيز مصر نجاتم داد و تاج عزت را بر سرم نهاد و تخت سلطنت عادلانه را در زیر پاييم قرار داد. و بر بنیامین از این لحاظ مَنّت گذاشت که او را از فراق من و تحقیر و توهین شما نجات داد.

(قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا) این نجات دادن خداوند فقط به حضرت یوسف و برادرش اختصاص ندارد بلکه عمومیت دارد زیرا هر کس نظیر آن ها از هر نظر با تقوا باشد و از ارتکاب گناهان بیزار و در مقابل فراق و آزار و اذیت ها هر نوع مصیبتی شکيبا باشد و علاوه بر این ها نیکوکار باشد به طور حتم دارای اجر و پاداش نیک و فراوانی خواهد بود و شکی نیست که خدای عادل و مهربان اجر نیکوکاران را ضایع نمی کند.^{۱۶} خداوند در این سوه بر ارزش احسان و اهمیت آن در سودهای دنیوی و اخروی تأکید می کند.

۲-۳-۲ سنتی از یوسف پیامبر (علیه السلام) در یوسف زهرا (علیه السلام)

یکی از نکات جالب توجه که در زندگی حضرت یوسف (علیه السلام) دیده می شود شباهت های زندگی ایشان با زندگی و سیره امام عصر (ارواحنا له الفداء) است. امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند: «به تحقیق در حضرت قائم (علیه السلام) سنتی از یوسف (علیه السلام) است. ... آیا این را که خداوند نسبت به حجت خود کاری را انجام دهد که درباره یوسف انجام داد؟ ... آنان قائم را نمی شناسند تا این که خدای عزّ و جلّ اذن دهد که خود را معرفی کند، همان گونه که به یوسف اذن معرفی خود را داد، آن گاه که او گفت: ... أنا یوسف و هذا أخی.»^{۱۷}

۱. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۴، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش، ص ۷۵ و ۷۶.
۲. محمدتقی، یزدی، مشکات مصباح، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰، ص ۵۰۴.
۳. محمد، دشتی، ترجمه نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷، چاپ چهلیم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، زمستان ۸۵، ص ۴۸۳.
۴. محمد، ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق، ص ۵۲۶؛ مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۱، چاپ اول، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ص ۶۴۶ و ۶۴۷.
۵. مهدی، پیشوایی، تاریخ اسلام (از جاهلیت تا رحلت پیامبر)، چاپ هفتم، قم، دفتر نشر معارف، ص ۱۳۸۷، ص ۵۷.
۶. عبدالله، جوادی آملی، تسنیم، محقق: عبدالکریم، عابدینی، ج ۱۶، چاپ اول، بی جا، مرکز نشر اِسرائ، ۱۳۸۸، ص ۲۳۳.
۷. سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۷.
۸. محمدحسین، طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: محمد باقر، موسوی همدانی، ج ۱، چاپ پنجم، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴، ص ۲۶.
۹. سوره اعراف (۷) آیه ۱۳۷.
۱۰. علی بن جمعه، عروسی حویزی عبد، تفسیر نورالثقلین، محقق: رسولی محلاتی، هاشم، ج ۴، چاپ اول، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۱۰.
۱۱. ناصر، مکارم شیرازی و همکاران، همان کتاب، ج ۲۲، ص ۴۳۷؛ محمد حسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، محقق: محمد باقر، بهبودی، ج ۱۵، چاپ اول، کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴ ق، ۴۹۹ و ۵۰۰.
۱۲. محمد، دشتی، همان کتاب، خطبه ۲۳۵، ص ۲۸۰.
۱۳. مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۱۱، ص ۲۶.
۱۴. سوره طه (۲۰) آیه ۳۷.
۱۵. فضل بن حسن، طبرسی، همان کتاب، ج ۱۶، ص ۲۶.
۱۶. محمد جواد، نجفی خمینی، همان کتاب، ج ۸، ص ۱۸۹.
۱۷. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۸۳.